

فرمانده کل نیروی فرانسه مدیریت کلیه عملیات جبهه غرب را عهده دار گردید. (۱)

از اجاظ همکاری سایر متحدین هم، وضعیت مبهم تر بود؛ چنانکه از طرفی فرمانده کل نیروی ایتالیا تشریک مساعی خود را با ابهام نوید میداد و از تعیین تاریخ همکاری با فرانسویها خودداری میکرد؛ از طرفی نیز، قرارگاه کل روس هم وعده میداد نقشه جنگی فرانسویها را «باعمل مجدانهای» تقویت نماید.

بمدها خواهیم دید که چگونه نقشه «بول» بی دریغ، در تحت تأثیر وقایع، با تبدلات عمده‌ای مواجه گشت؛ از آغاز کار هم، در عناصر فرماندهی که اجرای نقشه را عهده‌دار بود موجبات ضعف محسوس می‌شود می‌گشت؛ و این ضعف «کمتر ناشخاص توجه میشد، تا بخود وضعیت».

کناره‌گیری ژنرال ژفر، که تا سال ۱۹۱۶، مخصوصاً در خط متحدین فرانسه، مانند «مظهر وحدت و روح اتفاق» شناخته شده بود، فرماندهی عالی نیروی فرانسه را ضعیف نمود.

گفتیم که تأثیر فکر وحدت فرماندهی در سال ۱۹۱۶ در هون شخصیت و موقعیت حاسی بود که فتح و قدمت فرماندهی برای ژنرال ژفر فراهم نموده بود. و نیز ملاحظه کردیم که این امتیاز مغایر و این برتری روحی، با اینکه به تنهایی نتایج نداد، معیناً، بر حسب وجود به از عدم، تا حدتی مؤثر بود. پس با وجود ارزش و کفایتی که جانشین وی نوید میداد، کناره‌گیری او ایجاب نکرد که لااقل هر چیزی را از سر گیرند، نقشه‌های نوین و تدابیر

(۱) فرمانده کل نیروی فرانسه مدیریت کلیه عملیات را، بموجب معاهده که در ۲۷ فوریه در «کاله» منعقد شده بود، عهده دار گردید. در ۱۴ مارس، ما بین مارشال «سردو کلاس هاپنگ» و ژنرال «بول» قراردادی در زمینه همکاری اعمال و اجرای معاهده مزبور، و همچنین در توضیح و تشریح مسامات میانس فرماندهی فرانسه و انگلیس مبادله شد. قرارداد اخیر متضمن تصریحی بود که مارشال «هاپنگ» تکلف نموده بود، باین مضمون که «جز در مورد نقشه مصوّف عملیات منظور، فرماندهی انگلیس در مقابل فرماندهی فرانسه هیچگونه تابعیتی نداشته و علائق و مناسبات این دو فرماندهی از حدود اتحاد تجاوز نخواهد کرد».

نازه‌ای بیان‌دیشند، چنانکه رویه ایتالیا با روسها نیز همین نگرانی را تأیید میکرد. از اینرو، فرمانده جدید نیروی فرانسه ناگزیر بود از اینکه وضعیت و موقعیت خاصی که فوق ویرا محرز دارد، نظیر موقعیت ژنرال ژوفر، جبهه خوبستن فراهم نماید. تا حصول موقعیت فرماندهی، فرانسویها بی‌بایستی با مرحله جدیدی متضمن بحران سختی مواجه شوند، ممکن بود بحران مزبور ظاهری یا باطنی باشد: ولی در هر حال، بحرانی فراهم میشد، و این بحران هم ضعیفی در برداشت. بنا بر این، قبل از اینکه نبرد آغاز گردد، و نیز قبل از اینکه نسبت باختلاف آئین‌های جنگی، محک تجربه بمیان آید و بدین طریق ارزش نظامی آئین‌های مختلفه معلوم گردد، از مقایسه وحدت فرماندهی آلمانها با تشکیلات ناقص عناصر فرماندهی قوای متفقین، ممکن بود عواقب نبرد را پیش بینی نمود. عاقبت همین نبردی که تا چند ماه پیش اعتماد و اطمینان کامل متفقین را فراهم می نمود، اینک بانگرانی و تردید و بدبینی زیادی تلقی میشد.



انقلاب روسیه - نبرد ۱۶ آوریل

باز هم ممکن بود که موفقیت‌های اولیه مجدداً ملل متفقین را بیش از پیش هم آغوش ساخته و اتفاق آنها را تقویت نماید. در چنین موقع باربکسی، انقلاب مارس ۱۹۱۷ یکباره ارتش روس را مضمحل ساخت؛ بالنتیجه، اطرش و آلمان قوای معتابهی ازجبهه شرق بجبهه غرب اعزام داشتند؛ دهشت و اضطراب بدل دول غربی راه یافت. در فرانسه، که از آغاز کارزار مصائب جنگ را بیش از سایر متفقین تحمل نموده بود، تأثیرات مادی و مخصوصاً تأثیرات منضوی این انقلاب خیلی بیشتر محسوس افتاد.

این بحران، که اینک فرانسه را بضعف انداخته و بنای عظیم امپراطوری روس را منهدم ساخته است، آیا نتیجه مستقیم تعرضی است که آلمان جبهه تهدید روحیه متفقین اعمال کرده است؟ فعلاً، برای سنجیدن میزان مداخله مستقیم آلمانها، هیچ‌مأخذ تاریخی در دست نیست: ولی بنا بر گفته متفقین میتوان با کمال اطمینان گفت که مداخلات آلمان، اگر هم عامل اصلی نبوده است، لااقل تأثیرات عظیمی داشته است.

از نیرنگهایی که آلمانها در زمان «شتورمر» (Sturmer) در روسیه اعمال کرده اند، و همچنین از دائره وسیع نیرنگهای آنها که بعدها در فرانسه کشف گردید، کاملاً معلوم میشود که مسئله «عدم اعتماد بفتح»، که تا آن درجه در روسیه رواج یافت، اگر هم در تحت تأثیر فرسودگی از فداکاری و جانبازیهای سه ساله جنگ زمینه مساعدی داشته است، در هر حال مولود فعالیت بوده است که دوات آلمان و عمال آن اعمال نموده اند.

۱ - انقلاب روسیه

در ماه مارس انقلاب روسیه بر پا شد و در ظرف چند روزی رژیم حکومت تغییر کرد و زمام امور در دست دولت موقتی قرار گرفت.

ولی انقلاب روس در آن حالی که مسبین آن منظور داشتند توقف نکرد چه بنام ملت و ارتش سرایت نمود. ارتش سابق در اثر انقلاب و سوء تدبیر دو وزیر انقلابی کوچکوف (Goutckov) و کرنسکی (Kerensky) متلاشی شد و قسمت عمده آن از ادامه جنگ امتناع ورزید.

با این وصف تعرض من بعد جبهه روس مشکل بنظر میرسید، تعرض روسها تا ماه ژویه شروع نشد، در آن تاریخ روسها بتعرض مختصری مبادرت نمودند ولی این آخرین جنبشی بود که ارتش روس در حال احتضار از خود بروز داد.

فرانسویها اینطور مینویسند:

دیدیم که روسها، از ماه اوت ۱۹۱۴، چه خدمات بزرگی بنفع متفقین انجام دادند، و در سال ۱۹۱۵، چه مصائبی هموار کردند، و بالاخره، در سال ۱۹۱۶، بچه فتوحات غیر مترقبه ای نائل گشتند. فتوحات اخیر روسها، می بایستی، با کمک رومانی، به سقوط امپراطوری اطریش منتهی گردد. ولی آلمان خطر را دریافت، و با همکاری «شتورمر»، عملیات «بروسیاف» را دچار فاجع ساخت، بدین طریق نیروی رومانی را درهم شکست.

وسائل مأموریت وی عبارت بود از ۲ لشکر پیاده نظام ، ۲ لشکر سوار نظام و توپخانه سنگین نسبت میزان قوا .

گروه ارتشهای احتیاط ، فرماندهی ژنرال « میشله » (Micheler) ، شامل سه ارتش بود ، از اینقرار : ارتش ۶ ، فرماندهی ژنرال « مانژن » (Mangin) جبهه رو بشمال ، که میبایستی « لائون » (Laon) را هدف عملیات خود قرار دهد ، ارتش ۵ ، فرماندهی ژنرال « مازل » (Mazel) ، رو بشرق ، که میبایستی در سمت « ریتل » (Rethel) پیشروی نماید ، ارتش ۱۰ ، فرماندهی ژنرال دویشن (Duchêne) برای اینکه مدت قلبی بحال احتیاط باقی بماند ، تادرو موقع مناسبی با استفاده از موفقیت پردازد .

کلید وسائل این سه ارتش عبارت بود از ۵ لشکر پیاده ، ۵ لشکر سوار ، ابوابجمعی مهمی از لحاظ توپخانه سنگین و ارا به های جنگی .

ارتش ۷ ، تحت امر مستقیم قرار گاه کل ، مأمور بود خود را آماده نگاهدارد ، تادر « آلزاس علیا » بعملیات پردازد (۱) .

بالاخره در صورت شکافته شدن جبهه ، کلید ارتشها میبایستی پیشروی نمایند . مخصوصاً ارتش المزیک ، که سیاه ۳۶ فرانسه بدان ملحق شده بود ، میبایستی خود را آماده نگاهدارد ، تادر ناحیه « دیکسمود » بدشمن حمله ور گردد .

برای استعمال ارا به های جنگی ، خواه در قلعه گروه ارتشهای شمالی ، و خواه مقدمه در منطقه گروه ارتشهای احتیاط ، ما بین (کراون Craonne) و « ان » ، دستورات لازمه صادر گردید .

(۱) در ۳۱ دسامبر ۱۹۱۶ ، گروه ارتشهای شرق منحل شده ، و قوای « لرن » و « بارتش » ۸ مبدل گشته بگروه ارتشهای مرکزی ملحق گردید و از همان وقت ارتش ۷ مستقیماً در اختیار قرار گاه کل گذارده شد .

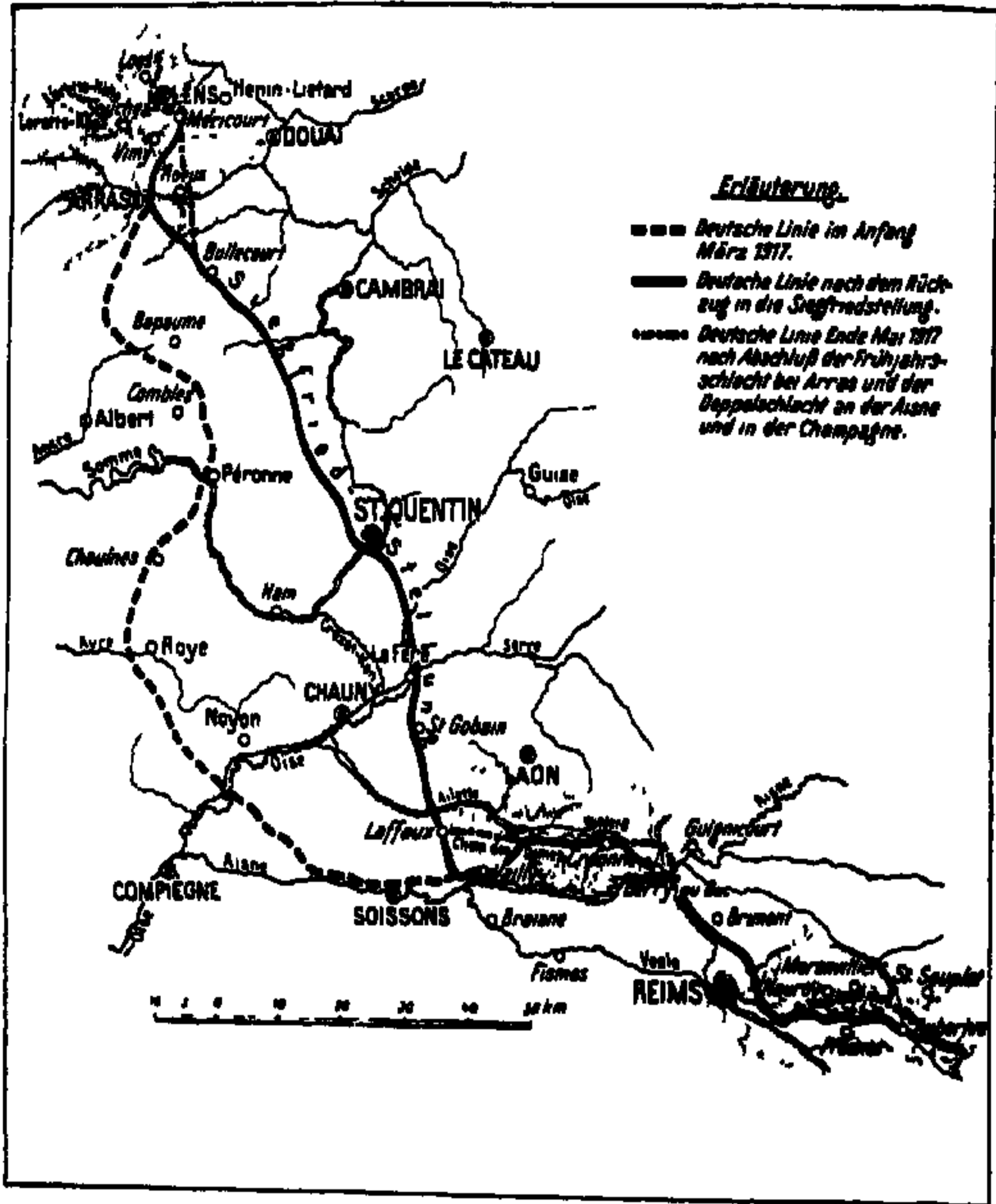
در ۳۱ مارس ، گروه ارتشهای شرق مجدداً فرماندهی ژنرال « دوکاستانو » (de Castelnau) تشکیل یافت .

در همان تاریخ ، ژنرال « فوش » (Foch) مأمور شد تشکیل احتمالی گروه ارتش « هلوسی » (Helvétie) را عهده دار گردد ، تا اگر آلمانیها - و پس را تسخیر کردند در آنجا بعملیات پردازد .

در موقعیکه نقشه کلی داشت صورت قطعی پیدا میکرد، آلمانها مانوری اجرا کردند، و همین خود ندایر اولیه نقشه مزبور را دیگر بار واژگون نمود.

ب) عقب نشینی آلمانها و تبدلات نقشه متفقین - در ۴ مارس، از «آراس» (Arras) تا «سوا سن» (Soissons)، حرکت عقب نشینی وسیعی از جانب آلمانها مشهود افتاد. این عقب نشینی منقاب يك سلسله حرکاتی بود که برای تصحیح خطوط از راه فوریه، در «سم» ، یعنی در قطعه انگلیسها شروع گردیده و با اصلاحات عمده خطوط منتهی شده بود.

فرماندهی عالی قوای آلمان، منقاب بررسی دقیقی، بوخامت وضعیتی که در نتیجه «سید» سم، ارتش وی با آن مواجه شده بود، کاملاً واقف گشته و از اینرو بعقب نشینی مزبور تن در داده بود: در شمال و در جنوب «پرون» (Péronne) کایه موضعی تدافعی منهدم شده بود، در نتیجه تحلیل رفتن قوا، از میزان ابواب جمعی کاسته شده و روحیه سربازان بسختی متزلزل شده بود. هر گاه قوای فرانس و انگلیس، چنانکه انتظار میرفت، دیگر بار بتجدید همان عملیاتی که سرمای زمستان قطع کرده بود، مبادرت مینمودند. اجبار بوخامت اوضاع افزوده میشد. این بود که هیندنبورگ بچنین تصمیمی تن در داد. تا با انتظار فرصت مناسبی مجالی پیدا کند. بنا بر این، آرامشی را که بسختی زمستان ایجاب نموده بود، در راه ترمیم و اصلاح وضعیت ارتش خویش صرف نمود: بدین طریق آرایش موضع جدیدی در نظر گرفته شد. این موضع، از جلگه های «ویمی» (Vimy)، که در آنجا استحکام بسزائی داشت، ممتد گشته، از مغرب «سنگاشن»، «لافر» (la Fère) و کوههای «سن گوبن» (Saint-Gobain) عبور کرده، و در جاگزه دشمن دیده داد، (Chemin-des-Dames)، که مفصل جنوبی جبهه جدید بود، بخطوط سابق متصل میشد. کایه ملرومات (اسلحه، مهمات، ذخائر، و غیره) با کمال دقت از موضع اولی تخلیه شد، و در منقعه متروک اثری از آثار عمران و آبادانی گذاشته شد، برای اینکه دشمن با خرابه های ویرانی مواجه گشته و نتواند هیچگونه منابعی در این خرابه ها تحصیل کند (منابع آب و



عقب نشینی آلمانیها موضع دیگر، شد

(مارس ۱۹۱۷ء)

چاهها مسموم گردیده ، درختها بریده شده و خانهها خراب و جاده ها بکلی زیرورو شده بود) . وقتیکه کلیه مقدمات کار فراهم گردید ، ارتشها بموضع جدید منتقل شدند ، مگر عقب دُرانی که برای پوشانیدن و استتار حرکات در محل گماشته شده بودند . مانور عقب نشینی آلمانها حقیقتاً مانور ماهرانه ای بود ، چنانکه متفقین هم بمهارت آن معترف میباشند ، عالی الخصوص در موردیکه با کمال موفقیت انجام گرفته است ، این عمل در روحیه سربازان آلمانی تأثیر سوئی نکرد ؛ زیرا فرماندهی که آنرا مقرر داشته بود موقعیت کامل و هوش عظیمی داشت . این بود که جامعه و ارتش هر دو ، این عمل عقب نشینی اختیاری را با رغبت تامی حسن استقبال کردند .

عقب نشینی آلمانها از نظر عوامل اطلاعات دشمن مستور نماند . ولی فرماده کل نیروی فرانسه باین اطلاعات اعتماد ننموده و اخبار واصله را با تردید کاملی تلقی کرد ؛ (۱) از اینرو ، آلمانها موفق شدند ، بدون تلفات و خسارات عمده ای ، و با آسودگی خاطر ، مانور عقب نشینی خود را بانجام برسانند . از طرفی هم ، وضعیت منطقه شروک و جاده های آن نیز بقسمی بود که تعاقب مؤثری را جهت فرانسویها ممتنع میکرد .

این پیشامد ، که قطعاً در موارد دیگری مانند نتایج بعدی فتوحات فرانسویها در «سَم» تلقی میشد ، اینک نقشه عملیات متفقین را بتدرید انداخته و سخت متزلزل میکرد ، و در محافل رسمی نیز نگرانی زیادی نواید مینمود . هر چند که حایه هم جبهه اصلی حمله متفقین کماکان بوضع خود باقی میماند ، ولی حمله متمرکز گروه ارتشهای شمالی اینک بهدر میرفت . ازمیان منطقه برطولی که سرتا-آن ذیر و ذبر شده بود دیگر نمی توانستند قوای حمله را در جلوی موضعیهای اشناسی تقویت نمایند

(۱) در ۷ مارس ، فرمانده کل نیروی فرانسه یادداشت میکرد : « قابل قبول نیست که دشمن ، بدون محاربه سختی یا اقلآ بدون منتهای مقاومت ، بحدی از عمده ترین و تالی که از خاک تا بگروگان برده است ، یعنی کوتاه ترین راه پاریس را ، که از « روا » (Roye) « نوابین » (Noyon) و « سوا سن » (Soissons) میگذرد ، با این سهولت از دست دهد » .

ولی با این وصف ، متفقین نقشه اولیه خود را از دست نداده : فقط باصلاح آن اکتفاء کردند . فرمانده کل نیروی فرانسه یادداشت کرده است که : « تا آن موقع ، عقب نشینی دشمن دو جبهه اصلی حمله را تغییر نداده بود ، و از اینرو : دو جبهه مزبور بحال اولیه خود باقی میماندند : یعنی در شمال و آراس (Arras) برای ارتش انگلیس ، و در شرق «سواسن» (Soisson) برای ارتش فرانسه . » . حماه متفقین محدود گشته و بمهده تعویق افتاد ، تا اجرای آن از این دو مبدأ عنایت آغاز گردد . در نتیجه کوتاه شدن جبهه ، قوای عمده ای صرفه جوئی میشد ؛ قوای مزبور برای امتداد مبدأ اصلی حمله در سمت شرق تخصیص یافت : بدین طریق ، گروه ارتشهای مرکزی امداد هائی دریافت نمود ، برای اینکه جناح چپ ارتش ؛ را در معرض «هیم سازد ؛ ارتش ؛ مأمور گشت از جبهه بین « رس » و « سوپ » (Suippe) عزیمت نموده و در سمت « ووزیه » (Vouziers) حرکت کند . حمله گروه ارتشهای شمالی (۱) هم در جنوب و جنوب غربی « سن کاتین » ابقاء گشت ، ولی بمناسبت برداشتهائیکه از قوای احتیاطی آن بعمل آمده بود ، و همچنین بمناسبت اشکال موااسلات ، ارزش تعرضی مؤثری برای ارتشهای این گروه باقی نمانده و فعالیت آنها بمعمایات اغفالی محدود میشد ؛ اکنون دیگر حمله « ان » با حمله این گروه نواء و مرتبط بود . حماه گروه مزبور در سمت « کوئیزورون-هیرن » (Guise-Vervins-Hirson) هدایت میشد .

ج) عدم موفقیت تعرض - در اوایل ماه آوریل ، آلمانها قوای خود را بدین طریق تقسیم کرده بودند : در جبهه غرب ، ۴۳ لشکر ، که ۵۵ لشکر آنها قوای احتیاط را تشکیل میداد در سایر جبهه ها کایه ۷۶ لشکر .

قوای مزبور در سه گروه (گروه ارتشها) تقسیم میشد ، از اینقرار .

گروه ارتشهای ولیمهد ناویر ، زدریا تا «سواسن» ؛ گروه ارتشهای ولیمهد آلمان ، از «سواسن» تا «میرل» ؛

(۱) از ۱۷ مارس ، مناسبت عقب نشینی آلمانها از جلو گروه ارتشهای شمالی ، فرمانده کل بکر افتاده بود ارتش ۱ را از همه برداشت نموده و بدین وسله ارتش احتیاطی جدیدی ، در حد فاصل بین گروه ارتشهای احتیاطی و گروه ارتشهای مرکزی تشکیل دهد .

گروه ارتشهای « دوک دووورنبرگ » (Duc de Wurtemberg) از
« منزل » تا « سویس » .

قوای متفقین ، از لحاظ عدد سربازان و میزان ملزومات ، بر قوای مزبور
فوق داشت . در جبهه غرب ، فرانسه ۱۰۹ لشکر پیاده و ۳۱۳ گردان پاسبان ،
و انگلیس ۶۲ لشکر پیاده تجهیز کرده بودند .

چهار ارتش فرانسوی که میبایستی در حمله داخل عملیات شوند ارتشهای
۶، ۵ و ۱۰ (گروه ارتشهای احتیاط) ، ارتش ۴ (گروه ارتشهای مرکزی)
متضمن ۶۰ لشکر پیاده نظام و ۲ سپاه سوار نظام بود . که با ۴ لشکر پیاده نظام آلمانی ،
واقعه بین « سوانسن » و « رنس » مواجه میشدند . توپخانه بر قدرت و مدھشی
برای این حمله تخصیص یافته بود ، یعنی در ۴ کیلومتر جبهه گروه ارتشهای
احتیاطی : ۱۰۰۰ توپ از توپهای سنگین و باند ، ۷۸۰ توپ از توپهای سنگین و
کوتاه ، ۱۷۰۰ توپ از توپهای کوتاه ، ۱۶۵۰۰ توپ از توپهای سنگری ، ۱۷۲۰ توپ
از توپهای سنگین دور زن . تا آن موقع ، نظیر چنین عظمت مدھش و چنین قدرت
کمر شکن دیده نشده بود . مقدار مهمات نیز ، از سنگین ترین ذخائر بیکه تا آنروز دیده
شده بود تجاوز مینمود (مثلاً : ۲۱ میلیون تیر ۷۵ ، ۳ میلیون و نیم تیر ۱۵۵ ، وغیره) .
بر قراری وسائل حصول انجامیده و با مشکلات زیادی مواجه گردید . (۱)
همین خود سبب شد که آلمانها بحدود جبهه حمله واقف شوند . ولی متفقین ، در
انجام تنسیقات خود ، باین فکر نبودند که از راه استتار مقدمات کار دشمن را
غافلگیر کنند ، بلکه مقصود آنها این بود که با اعمال حد اکثر قدرت و وسائل
حریف را منهدم نمایند : بدین معنی که نخست در مرحله خیابانی کوتاهی ، با اعمال
قدرت کمر شکنی ، قوای ویرا بتحلیل بیاورند ، و بلا فاصله بعد جبهه ویرا بشکافند
و توده ماوراء جبهه استفاده از موفقیت خویش هدایت نمایند .

هواپیمائی مکفی مینمود ، از ارا به های جنگی هم ۸ گروه (هر گروه شامل
۱۶ ارا به) در نبرد شرکت میکرد .

(۱) مشکلات تهیه مقدمات فرمانده کل را وادار ساخت تاریخ حملات را تا چند دفعه به
تعمیق بیاندازد .

تعرض درجهٔ انگلیس آغاز گردید . در ۹ آوریل ، جلگه‌های «ویسی» بتصرف درآمده ، وانگلیسهای پای نشیما رسیده و پیشروی مینمودند ، در ۱۴ ، به «لیه ون» (Liévin) و «محلان خارجی» «لاس» (Lens) رسیده بودند . و در مدت پنج روز ، ۱۴،۰۰۰ ، اسیر و ۱۰۴ توب بدست آورده بودند . در تاریخ ۱۲ ، گروه ارتشهای شمالی نیز داخل عملیات شده و مأموریت اغفالرا که جهت وی تعیین شده بود انجام میداد .

حملهٔ اصلی (حمله گروه ارتشهای احتیاط) که تاریخ شروع آن ، نخست روز ۱۴ معین شده بود ، بمناسبت بدی هوا که تنظیم تیر را ممتنع کرده بود ، تا دو روز بعد ، یعنی روز ۱۶ ، بتعویق افتاده بود . عاقبت ، حملهٔ مزبور ، بعد از مرحلهٔ تهیهٔ تیر توپخانه که از روز ۷ ادامه داشت ، صبح روز ۱۶ آغاز گردید . از «لافو» (Laffaux) تا «رنس» (Reims) ، ارتش ۶ و ارتش ۵ بحمله مبادرت نموده بودند ، سرستونهای ارتش ۱۰ شبانه از رود «ان» گذشته و آمادهٔ آن بودند خود را در شکاف پیادازند .

آلمانها مقاومت خیلی سختی ابراز داشتند . قسمتهای مهاجم . بعد از اینکه از خط اول آلمانها عبور کردند ، بامنطقهٔ عمیقی که از هر سو با مسلسل‌های سنگین تقویت شده بود مواجه گشتند ؛ این موضوع پیشروی را ممتنع میکرد و از حملات اولیهٔ عناصر امدادی جلوگیری مینمود . در جناح راست ارتش ۶ و جناح راست ارتش ۵ پیشرفتهای مختصری محسوس گردید ؛ از «سرنی» (Cerny) تا «کراون» (Craonne) ، و از «بری-او-باک» (Berry Au-Bac) تا «بریمن» (Brimont) ، موضع دوم آلمانها هیچگونه آسیبی نیافت . ولی بالعکس . در مرکز و در جناح چپ آنها ، پیشروی مهمی تحصیل شده بود ؛ بدین معنی که از «سوپیر» (Soupir) تا «لافو» (Laffaux) در آن قسمت از برآمدگی «وایلی» (Vailly) که در دست آلمانها بود ، ارتش ۶ موضعی عمده و مازومات زیادی بدست آورده بود . در جنوب «ژوونکور» (Juvincourt) ، مابین «ان» و «میت» (Miette) ، موضع دوم آلمانها بتصرف درآمده و حتی در بعضی نقاط هم از موضع مزبور تجاوز شده بود .

در تاریخ ۱۷ ، ارتش ۴ نیز (گروه ارتشهای مرکزی) بنوبه خود به نیات پیوست . خط اول ارتفاعات : « من کربله » (Mont-Cornillet) « من بلن » (Mont-Blond) ، « من سان نم » (Mont-Sans-Nom) بتصرف درآمد و فرانسویها تا نیمه ارتفاعات « من هو » (Mont-Haut) ، « کاسک » (Casque) و « ته تن » (Téton) پیشرفت کردند .

در تاریخ ۱۷ ، وضعیت بدینطریق خلاصه میشد :

مقاومت مبرم در جبهه ، پیشرفتهای جزئی در طرفین « کرائن » (Craonne) و در « ماسیف ده من » (Massif des Monts) .

د) سمت جدید تعرض - فرمانده کل نیروی فرانس ، با توجه بوضعیت مندرجه فوق ، بفکر افتاد از موقعیت استفاده نماید . در تاریخ ۱۷ ، در ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه ، حکم ذیل را بعنوان فرمانده گروه ارتشهای احتیاط صادر نمود : « . . . اکنون آن موقع فرا رسیده است که محور فعالیت خود را بسمت شمال شرقی متوجه نمائید ، بدینطریق که از مبنای عزیمتی که پیشرفتهای ارتش ۵ تأمین کرده است حرکت کنید . در جبهه ارتش ۶ ، بتکمیل و تقویت غلبه و فتح ارتفاعات جنوبی « ایت » (Ailette) قناعت کنید . در تاریخ ۱۹ ، ارتش ۱۰ داخل خط میشد ، برای اینکه عملیات بین « کرائن » و « ان » را هدایت نماید : واحدهای جدیدی هم در اختیار ارتش ۴ گذاشته شده بود .

نخستین مرحله تعرض خانمه یافته بود ، و برای اینکه مرحله دوم تعرض ، مطابق خط مشی ، و دستورات جدید آغاز گردد ، آرامش چند روزه ای ، ضرورت داشت .

از ۱۶ تا ۲۰ آوریل ، ۲۱،۸۰۰ اسیر و ۱۸۳ توپ بدست فرانسویها افتاده بود ، انگلیسها نیز ۱۸،۰۰۰ اسیر و ۲۴۰ توپ بدست آورده بودند . دشمن ۳۸ لشکر تازه نفس داخل عملیات کرده و ۱۹ لشکر ، بمناسبت تحلیل کامل قوا ، از جبهه برداشت نموده بود . اکنون دیگر ، مجموع قوای حاضر خدمت آلمان که در جبهه غرب

مانده بودند ، ممکن بود مانند قوای ثابت و متوقفی قلمداد گردند .
ولی نتایج حمله ، در قبال امیدواریهایی که در آغاز کار تولید نموده بود ،
یأس ارتش و کشور را فراهم نینمود ، قسمتهاییکه درگیر شده بودند تلفات سنگینی
تحمل کرده بودند ، فرسودگی و خستگی سپاهها نیز ، که نتیجه ای از فعالیت آنها
عاید نشده بود ، مزید بر علت گشته و سوء انعکاس عدم موفقیت تعرض را تقویت
میکرد .

در همان حین که ارتشهای ۱۰ ، ۶ و ۴ ، مقدمات عملیات منظوره را تهیه
مینمودید ، وزیر جنگ مستقیماً مداخله نمود ، برای اینکه اهمیت یعنی وسعت
حملات منظوره را محدود سازد ، در تاریخ ۲۳ ، فرمانده کل نیروی فرانس هم
ناچار به نظریه وزیر جنگ پیوسته و باز بدون تعاقب عملیات ، هدف محدود تری
برای آنها مقرر میداشت : بدین معنی که هدف عملیات را پاک کردن برآمدگی
«رس» از وجود دشمن و تصرف «شمن دده دام» (Chemin-des-Dames)
محدود میکرد .

بنا بر این ، میتوان گفت که در این تاریخ تعرض ، شکافتن جبهه دشمن قطعاً
خانمه پذیرفته است .

در روزهای «مدی» ، عملیات مساعدی بوقوع پیوست : ولی هدف این عملیات
محدود بود : تصرف کامل برآمدگی «وایلی» (Vailly) ، بوسیله ارتش ۶ : تصرف
«کرائن» و قسمت عمده «شمن دده دام» (در ۴ و ۵ مه) ، بوسیله ارتش ۱۰ .
در ۶ مه ، گروه ارتشهای احتیاطی منحل و عملیات ارتش ۱۰ موقوف گردید .
بدین طریق ، تعرض فرانسویها معاق گشت .

چند روز بعد ، یعنی در ۷ مه ، ژرال «پتن» (Pétain) فرمانده گروه
ارتشهای مرکزی ، بجایشینی ژرال «نیول» (Nivelles) ، در رأس ارتشهای شمال
شرقی فرانس برقرار گردید .

۱ - بحران روحیه ارتش فرانسه در مه و اوت ۱۹۱۷

در موقعیکه ژنرال « پتن » (Pétain) فرماندهی را عهده دار میشد ، ارتش فرانسه مرحله بحران روحی و خیمی را طی میکرد ، این بحران ارتش مزبور را تا چندی سستی و ضعف محکوم مینمود .



کتابه ارتشهایی که در این

جنگ شرکت داشته اند ، غیر از آلهانی که اخیراً درگیر شده بودند ، در ایام مختلف و نابر جهات متفاوتی ، همگی دچار انحطاط روحی شده اند . در سال ۱۹۱۷ ، ارتش روس در تحت تاثیر صحرایی غیر همین بحران ، که وضعیت سیاسی کشور بر وخامت آبرای تقویت مینمود ، از پای در آمده و یکباره معدوم گردید . ژنرال روحیه ارتش آلمان ، که در سال

مارس سال بدین

۱۹۱۶ ارتش مزبور را سقوط تهدید کرده و هیند سه رک املاح آن موفق شده بود از عواملی است که در سال ۱۹۱۸ فتح متفقین را تا همین آورد .

ارتش فرانسه ، که از سه سال قبل زیر بار سنگین جنگ خم شده بود ، اینک بدلات و راهنمایی فرماده خود عکس العملی را اراژ داشته و دیگر بار قد رشادت را بر افراشت .

الف) علل بحران - حوادث و خیمی که در ارتش فرانسه روی داده بود ،

بنا بر گفته فرانسویها، از علل خارجی و داخلی ناشی میشد. علل خارجی بحران که با سیاست دوات تماس داشت، از حدود اختیارات فرماندهی خارج بود. در این خصوص، وظیفه فرماندهان نظامی این بود که مراتب را گزارش داده و سعی کنند از سرایت مرض روحی بداخله ارزش جاوگیری نمایند. از اوائل ماه فوریه، ژنرال «بیول» عمده ترین جهات خارجی را بدوات خاطر نشان نموده بود. در ۲ ژوئن نیز، ژنرال پتن در تأیید نگرانیهای فرماندهی سابق، وخامت وضعیت را گوشزد کرده و در ۳۰ در کمیته جنگی اظهار میکرد که: «ریشه های فساد در داخله کشور میباشد». او نیز طرفدار همان تدابیری بود که فرمانده سابق القاء نموده بود، منجمه: مراقبت و منع تشکیلات مافی یا مخالف، مراقبت و هدایت مطبوعات، منع انتقادات ضد فرماندهی، منع شایعات راجع باقلاب روسیه و خودداری از انتقاد، تعبیر و تفسیر آن، وغیره.

ولی اگر این عوامل شوه با کمال سرعت در ارزش فرایسه تأثیرات غضبمی بخشید، برای این بود که در داخله ارزش مرور زمینه مساعدی جهت شوه و مای مرض وجود داشته است. اینجا است که با عمیق مرض بر خورده و با عامل داخلی آن مواجه میشویم.

ارزش فرایسه خسته شده بود. تلاش غضبمی که در سال ۱۹۱۶ از ارزش مرور خواسته شده بود اینک عکس العمل و اثرات خود را حاضر میکرد. تهیه مقدمات مرض بهار و خود این مرض خستگی عده هارا بمنتهای درجه میرسانید. تعلیمات قسمتها مواقع زیادی داشت. در محاربه، «رماز چیزی نمی آموزد: بلکه رویه و روش، عادات و افعالی را که در طول مدت زیادی آموخته باشد اعمال مینماید. اتفاقاً از «وردن» بعد، هر در مورد بعضی از واحدها که دارای امتیازانی بودند، غیر از محاربه و توقف در قصعات نظامی، که مابواً تکرار میشد، کار دیگری که بتعلیمات عدهها کمک کند اجراء شده بود. تعرض آوزیل در بسیاری از نقاط شان داده بود که عدهها متهور و شجاع، و در عین حال نادان و از لحاظ قابلیت مانوری ضعیف هستند. کادر عدهها بز تقلیل باقیه بود. در سال ۱۹۱۶، کادر

ارزش تلفات مدهشی داده بود ، و هنوز هم آن فرصت و مجالی که جهت تهیه نواقص کادر ضرورت داشت فراهم نشده بود . افسرانی که در طی برد فرماندهی بائل آمده بودند ، همگی تجربه فرماندهی را نداشتند ؛ عمل فرماندهی هم ، بنسبت میزان تحلیل رفتن عده ها (یعنی بنسبت تلفات) روز بروز مشکلتر میشد . بالاخره ، اینرا نیز ما گفته نگذاریم که جنگ ۳ سال طول کشیده بود ؛ و هنوز هم از پایان جنگ ، یعنی از فتح نهائی ، هیچگونه آثاری مشهود نبود ، در میان ویرانه ها و خرابه ها یکه بیش از پیش جلوی چشم فراسویها متراکم میشد . فتوحات در خشایبکه مایه تقویت دلها و پایداری امیدواریها باشد در بین بود ، مگر فتوحاتی که فردای آنها معلوم نبود ، و در خلال آنها ، سواج بدی روی داده و متحدین فراسه (سرها ، روسها و رومانیها) را پی در پی مأیوس میکرد . پس ، افسردگی روح سرباز فرانسوی تا حدی هم بمورد بود ، و از افسردگی روح تا اابدی و یأس فاساد کمی داریم که ازین قدم تجاوز نمیکند .

ب) علاج بهران - فرمانده کل نیروی فرانسه نخست بتدابیر اولیه ای که فوریت داشت نه سال جست ، بدین معنی که ابتدا در تمام مراتب بجدیت و قدرت فرماندهی متوسل گردید . بموضع فرماندهان تکلیف ضرد که در مقابل نمرد هیچگونه سستی و ضعف را جایز پنداشته و در قبال هرگونه حرکات اجتماعی ، بهر آنکه در عنوان که باشند ، خودداری و تردید را مزورک دارند . در صورت لزوم ، هرگاه مقتضی بداند ، در همان محل جزای محرکین و متحافین را داده و آنها را تنیه کند . ولی این استثنای مکفی نبود ، و علاوه محاطراتی هم در برداشت ، میبایستی داد بسی نظامی با قوانین و مقررات مؤثری تجهیز شود ، بقسمی که تعقیب و جاوگیری از جرعهها با سرعت اوقات میسر و توجه احسن نامین گردد . از اینرو وضع یک اساسه مقررات استثنائی مؤثری از دوات حواسته شد ، و با نتیجه بسیاری از آداب و رسوم موقوف گردید ، منجمه : در ۸ ژوئن حق درخواست تجدید نظر ، و در ۱۱ ژوئن حق عفو مانعی گشت . ولی اجرای حکم اعدام بدور حکم قننی فرمانده کل قوا ، و کول گردید . بدیهی است

این خشونت ، که مجرمین واقعی را بکیفر اعمال رسانده و «آلت دست» هارا نجات میدهد ، بمنزله کمال مهربانی است ، چنانکه فرمانده کل نیروی فرانسه هم ، در توضیح آن ، مینویسد : « من با عزم ثابتی در تصمیم خود دایر بر تعقیب مجرمین پایدار خواهم ماند ، ولی در عین حال فراموش نخواهم کرد که این تصمیم متوجه سربازان فرانسوی است ، یعنی سربازانی که از سه سال قبل در داخل سنگرها با ما بوده اند . »

این سیاست ، عملاً سیاست عاقلانه بود که با کمال سرعت تأثیر بخشید ، چنانکه در اوائل ماه اوت احتمال هر مخاطره ای بکای بر طرف شده بود .
ولی این اقدام کوچکترین قسمت خط مشی بود که فرمانده کل برای خود طرح نموده بود .

در ۱۹ مه ، یعنی سه روز پس از تقبل مسئولیت عظیم فرماندهی کل ، رویه و روش فرماندهی ، یعنی موقعت لازمه فرماندهان را تشریح نموده بود . در ضمن تعیین مسئولیتها و رعایت حرمت مقامات ، استقلال را در حفظ احترام و آزادی را در اطاعت و فرمانبرداری مقرر میداشت . مسئله وحدت مقدرات کتابه مقامات و سلسله مراتب را با اصرار و ابرام مخصوصی تأکید میکرد ، چنانکه در هر موردی باین موضوع اشاره مینمود و میگفت : « افسران ما سه سال است تهور و رشادت بی نظیری ابراز داشته اند و با این وصف در مقابل فرماندهان خود از گزارش مشکلات کار ، که در عین عمل مشاهده مینمایند ، خود داری میکنند ، از بیم اینکه مبادا ترسو بقلم بروند . نتیجه چنین خود داری ترس آمیزی این میشود که فرماندهی عالی در ابقاء اوامر و احکامی که بهتاج اصلاح است ایستادگی نماید ، و حال آنکه اگر او را بوضعیت واقف بگردید ، از اصلاح یا تکمیل همان احکام بی مورد مضایقه نمی نمود
بنا بر این ، وظیفه حتمی فرماندهان این است که با اعمال قدرت و خود خویش ، زیردستان خود را از تمایل کتمان حقایق بازدارند در

جنگ کنونی ، با قدرت مهلك آتش تجربیات جایز نیست . كوچك ترین عملی مستلزم تهیه دقیقى است كه برای انجام آن حسن نیت کلیه عناصر مفید ضرورت خواهد داشت محرم راز هر افسری فرمانده اوست . فرمانده با بستی اعتماد ژبرستان را جابجاء کند ، و این اعتماد متكى است بعلاقه واحترام متقابل و از خود گذشتگی رئیس و مرئوس در قبال کشور .

شون فرماندهی ، مفاهیم مسئولیتها ، اعتماد در کلیه سلسله مراتب ، تأمین تماس و ارتباط بین فرماندهی و نفرات با مبحثهای خودی ~~كه~~ موضوع آنها از جانب فرمانده كل تعیین میشود ، اعاده موقعیت و حیثیت افسری با اعمال این وسائل و تقویت آن با تعلیمات مؤثری كه فرمانده كل در مراکز بسیاری دایر نموده بود ، کلیه این وسایل و امثال آنها عبارت از عواملی برای محكمی انضباط و برای غایب شدن بفساد بود كه بعد مجبور بجاوگیری از آن نشود .

در مورد عده ها نیز ، يك سلسله تدابیر مؤثری ، بقصد ترفیة حال و تأمین تعلیمات آنها ، مقرر شده بود . دستور ۲ ژوئن دستوری است كه از این احاطا اهمیت بسزائی در بردارد . دستور مزبور متضمن مقرراتی است كه در مورد مرخصی افراد و استراحت واحدها تنظیم گردیده است . از همان تاریخ بود برای سربازانی كه در مرخصی هستند قطارها و توقفگاههایی دایر گردید ، برای مرخصیها نظاماتی مقرر شده و بر طول مدت مرخصیها افزوده شد ؛ برای كلیه عده ها استراحت و آسایش منظمی ، از راه تعویض کلیه واحدهای ارتش ، منظور گردید . در تنظیم توقفگاهها رفاه و آسایش عده ها مورد توجه قرار گرفت ؛ در غذای سربازان اصلاحات عمده ای بعمل آمد و بكارپردازی امر شد در تقسیم غذا تنوع بیشتری قائل شده ذائقه سربازان را مورد توجه خاصی قرار دهد ؛ شرکهای تعاونی تعیین یافته و فوق العاده های مخصوصی به قلع ساحل شوران منظور گردید .

در نتیجه تخفیف عملیات و بسط جبهه انگلیسها (كه فرمانده كل نیروی فرانسه با اصرار و ابرامی به انگلیسها تكلیف نموده بود) فرصت و مجال بیشتری فراهم شد ،

و این فرصتها در راه تعلیم و تربیت ارتش مصروف گردید.

ولی، در این قسمت نیز، روحیه سربازان منظور نظر قرار گرفت، چنانکه در ۲۳ اوت دستوری صادر گردید، دایر بر اینکه نشریات نظامی و بازدیدها و ورژها بحد اقل محدود شوند. برای تکمیل تعلیمات، در سر بازخانه های لشکری اصلاحاتی در طریقه تعویض فرات بعمل آمد، مدارس و مراکز تعلیماتی توسعه یافته و بر نامه واحدی جهت همه آنها تنظیم گردید. فرمانده کل کوشش مینمود که نجاس و پیوستگی واحدها را بحد کمال برساند؛ و برای انجام این منظور، حتی با اصول ابائویی و طریقه آلمانی که تشکیل قسمت‌های منتخب را تأیید میکند عملاً مخالفت ورزید؛ زیرا معتقد بود که این اصول رفق واحدها را میگیرد و روپهمرفته نوده ارتشها را ضعیف میکند.

بالاخره، چنانکه در محاربات آئیه هم دیده خواهد شد، با اجرای عملیات در حینای که مقدمات آنها با کمال دقت تهیه شده بود، اعاده اعتماد سر باز فراسوی دیگر نار میسر گردید؛ پیشرفتهای امید بخش و مهمی بعد از مدالی داشت که فرماندهی تدابیر و خط مشی خویش اعتماد کاملی داشته و بوقعی که از لحاظ فداکاری از فرات و قسمتها دارد از حدود ضرورت تجاوز نمیکند؛ همین موافقتها بمنزله آئیه ای بود که سر باز فراسوی قیافه فتح را برای مدت محدودی در آن مشاهده مینمود.

همین اصول سنجیده و مؤثر، همین خط مشی به‌ورد در اندک مدتی که از چند ماه تجاوز کرد، اثرات شوم این بحران و خیمه را، که ارتش فراسه را بسقوط قدمی محکوم میکرد بر طرف ساخت.

خواهیم دید همین ارتش، که در آوریل ۱۹۱۷ قادر بود در قبال بیم‌تجی، تحمل و استادگی جرح دهد. در قبال صرتهای مدعی و مصائب مهیب اوائل سال ۱۹۱۸ بدون اندک تردید و نترسانی با کمال شهامت مقاومت خواهد نمود.

۲ - دخول امریکا در جنگ

موفقیت فرمانده کل نیروی فراسه در اصلاح و اعاده روحیه ارتش ، آنها را با آن سرعت و آندرجه کمال ، ناحدی مرهون امیدواریهائی است که در همان موقع از دخول امریکا در جنگ در صفوف فرانسویها راه یافته بود .

بعدها ، تأثیرات نظامی الحاق امریکا را جداگانه بررسی خواهیم نمود . ولی در چنین موقعی که اینک مورد بحث ما است ، پیش بینی و سنجش کمک مادی امریکا میسر نبود . فعلاً ، از احاطه موازنه قوای طرفین متخاصم ، دخول امریکا در جنگ در ایندو کفه ترازو هیچگونه نقای داشت ، مگر از احاطه تقویت دلها و بنا بر این کمک بنجات افکار عمومی و روحیه ارتش .

اینک مبده و منشاء اقدام دول متحده امریکا را با مختصار بیان مینمائیم :

در آغاز مخاصمات ، جمهوری دول متحده امریکا بیصرف بود . محافل ادبی و علمی قسمت شرقی کشور ، یعنی امریکائیهائی که با دنیای قدیم ، و مخصوصاً با فرانسه و انگلیس وحدت فکری و علمی کامابی احساس میکردند ، از آغاز کار هوا خواه و طرفدار متفقین بودند ، محافل رسمی نیز مشکلات حفظ بیطرفی کامل را احساس میکردند ، آن هم در چنین کشمکش که از حدود جغرافیائی مناطق جنگی تجاوز مینمود . ولی این همدردی ، خواه عانی و خواه مخفی ، با مشکلاتی مواجه بود ، منجمه : بی اعتنائی و لاقیدی افکار در مرکز و در مغرب کشور ؛ خصومت رعایای امریکائی ، که برخی از آنها اساساً اهستانی با اهل لیتوانی بوده و بدین مناسبت دشمنی روسیه را در دل داشتند ، و بعضی از آنها نیز اصالتاً ایراندی بوده و بدین جهت کینه و عداوتی را که از اگلیسها داشتند فراموش نمیکردند ، و بالاخره فوذ امریکائیهائی ژرمن زیاد که ممکن بود سیاست دوات را تهدید نمایند . امریکائیهائی اخیر روابط حبابی نزدیکی با میهن اصلی خویش حفظ کرده بودند ؛ این توده مضمرات مخصوص و مجامع مخصوصی داشتند که در خفاء بوسیله سفارت کبری ای آلمان هدایت میشدند ؛ بالاخره نفوس توده مزبور خیالی زیاد بود ، مسئله استقلال و باصلاح حکومت « خود مختاری »

یکایک دول متحده آمریکا ، و همچنین رواج آئین خیالی کهنه ای که مداخله در امور اروپا را منع مینمود ، عوامل دیگری بودند که اختلاف آراء عمومی را ، در قبال کشمکشهای خوین اروپا تقویت مینمود .

ولی کم کم ، در تحت تاثیر محاصره دریائی ، آمریکا محکوم شد باینکه فروش محصول خود را فقط بیازار های متحدین انحصار دهد ؛ در مقابل دسائس سنجیده آلمان و تحریکات خصمانه ای که در مکزیک میکرد ، عاقبت مین دوستی امریکائیها به بیچ شد . بالاخره ، جنگ زیر دریائی منافع امریکا را سخت تهدید میکرد ، یعنی بگانه بازاری را که بر روی آنها باز مانده بود مسدود مینمود ، رفته رفته ، کار صحائی رسید که در افکار عمومی ، مسئله دخول امریکا در جنگ ، از احاطه حفظ مصالح کشور ، تحت عملی و سپس سروری قلمداد گشت ؛ بعلاوه ، با اصولی هم که دموکراسی امریکائی دعوی میکرد منطبق گردید . در روحیات امریکائی به او نه به او ی حقیقت طامی سختی احساسات عالیة مذهبی وجود دارد که حکمت عقلانی ما نمی تواند بوجود آن پی برد .

روزیکه اعلان جنگ بحال ایندو عامل ضرورت پیدا کرد ، دخول امریکا در جنگ صورت قطعی بحود گرفت .

همینکه زمینه افکار عمومی مهیا شد ، حکومت مرکزی که از دو سال و نیم ما انتظار سر به برد در احد تصمیمات خود تسریع نمود . در ۱۹ دسامبر ۱۹۱۶ ، رئیس جمهور میسجگری دوات امریکا را پیشنهاد کرد ؛ در ۲۶ ، آلمان از قبول میسجگری امتناع ورزید . روز ۳۰ ژانویه ، آلمان جنگ زیر دریائی را اعلان کرد . روز ۳ فوریه ، رئیس جمهور رسماً در کنگره قطع روابط سیاسی آلمان و امریکا را اعلان نموده و گفت :

« ما هیچگونه مانع و فتوحاتی در نظر نداریم ، ولی این سی ماه حوادث فجع حس نوع پرستی ما را نهیچ کرده است . پس از غرق شدن چند کشتی از کشتیهای امریکائی ، تجهیزات کشتیهای تجارنی مقرر گردید ، و در ۷ آوریل ۱۹۱۷

هر دو مجلس امریکا مجلس مبعوثان و سنا وجود روابط خصمانه بین آلمان و امریکا را اعلام داشتند. برنامه همکاری با متفقین تنظیم گردید، از اینقرار: کمک مالی بامتفقین، برقراری خدمت «نظام عمومی»، احضار فوری «...» سربازان جبهه اعزام بارویا.

اینک دول متحده امریکا باتمام قوای خود داخل جنگ میشدند. چه موقعی مساعی امریکا نتیجه خواهد بخشید؟ معلوم بود که مدت مدیدی وقت لازم است تا همکاری امریکا مؤثر گردد. فعلاً، وعدهای داده شده و امیدهای بوجود آمده بود. حتی باین شکل هم، دخول امریکا در جنگ، که در موقع مناسبی منعکس شده بود، بشارت بموردی بود که یأس ارتشهای فرانسه و متفقین آنرا (که ناشی از واژگون شدن امپراطوری روسیه بود) کاملاً برطرف مینمود.

بدینطریق، امریکا در دونوبت باستخلاص «متفقین» کمک نمود:

نخست با ابراز کمک معنوی بهار ۱۹۱۷، سپس با ابراز کمکهای مادی تابستان ۱۹۱۸.



صحنه آسیا

اگر در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ عملیات اصلی در آسیا در نواحی قفقاز، ارمنستان و شمال ایران جریان داشت، اینک در سال ۱۹۱۷ عملیات مزبور کاملاً بسمت جنوب یعنی به بین النهرین و بطرف غرب یعنی بسوریه و فلسطین انتقال یافت. علت انتقال مرکز ثقل عملیات از قرار ذیل است:

اولاً بواسطه خارج شدن روسیه است از جنگ در اثر انقلاب. ثانیاً بواسطه روشی است که انگلیسها تدریجاً نسبت بعملیات در صحنه آسیا اتخاذ نمودند.

مرحله ای که مورد بررسی است مصادف است با آن مرحله از انقلاب روسیه که هنوز دولت و فرماندهی کل روس روحيات انقلاب را درك نکرده بودند و برای وادار کردن ارتش فرسوده روس بجنبان اقدامات ناقصی بعمل میآوردند. تمام توجه فرماندهی کل روس بسمت غرب معطوف بود که ارتش را در موقع مقرر

برای تعرض مشترك حرکت دهد، فرماندهی نیروی قفقاز اختیار داده شد بهر گونه عملیاتی که مقتضی بداند مبادرت ورزد.

در ارمنستان، در آن زمان تحول، اجرای نقشه‌ای در نظر نبود: فقط در جنوب تشریک مساعی روسها با قوای انگلیس (که از دو سال قبل روسها آرزوی آنرا داشتند) متصور بود و عملیات تعرض روسها در سال ۱۹۱۷ روی همین اصل بود. در سال ۱۹۱۷ عملیات در آسیا در دو سمت اجرا میشد: در بین النهرین و در فلسطین.

عملیات در بین النهرین

انگلیسها پس از واقعه «کوت العماره» جداً بنهیه عملیات سمت بغداد تحت فرماندهی ژنرال مُدپر داخند، تهیه عملیات مزبور تقریباً در تمام مدت سال ۱۹۱۶ مفصلاً بعمل می‌آمد.

انگلیسها در هر دو ساحل رودخانه دجله اقدام نکشیدن راه آهن سبک نمودند چون مقتضیات اراضی اجرای عملیات نظامی را در طرفین رودخانه ایجاب میکرد. ناوگان مخصوصی برای اكمال مواصلات روی رودخانه تهیه کردند.

دو هزار هکتار زمین را بوستان مبدل نمودند؛ محلهای مخصوصی برای تمرکز احشام و طیور فراهم ساختند؛ کارخانجات سیفون و بیخ سازی تأسیس نمودند. در ظرف چهار هفته ۱۷ هزار تن ملرومات از انگلستان بجهت حمل کردند. بدین طریق ارتش انگلیس که کاملاً مکمل شد در پایان سال ۱۹۱۶ تعرض خود را بسمت «کوت العماره» شروع کرد.

در آن حدود از طرف عثمانیها ارتش ۲ مرکب از ۵ لشکر عملیات میکرد و ممکن بود که ارتش مزبور در آنیه دو برابر شود. ارتش انگلیس عبارت بود از ۶ لشکر پیاده و یک لشکر سوار با وسایل کامل فنی و هواپیمائی.

در ماه دسامبر ژنرال مُد عملیات خود را بر عایه عثمانیها که در سواحل دجله بین «تنائیات» (Sanna-i-Yat) و «کوت العماره» مواضع مستحکمی اشغال کرده بودند شروع کرد. مقارن نیمه فوریه نمام ساحل راست دجله از قوای عثمانی پاک شد و ژنرال مُد موضع «تنائیات» را از جبهه مورد حمله قرار داد در حالی که



خانه انکلیسها در کورت العماره بمواقع عثمانیها
(مقابل صفحه ۵۲۲)

قوای دیگر انگلیس در مغرب « کوت » از دجله عبور کرد . عثمانیها چون دیدند که مواضعشان قطع شده است سریعاً عقب نشینی نمودند و « کوت الماره » روز ۲۴ فوریه سقوط کرد .

ژنرال مد که در توسعه پیشرفت خود فقط با عقب‌دارهای عثمانی مواجه بود روز ۱۱ مارس بغداد را تصرف کرد و سپس متدرجاً جلودارهای خود را بخلاف « یعقوبیه ، دیر عباس ، سامره ، فلوجه و رمادی » حرکت داد یعنی مسافت ۱۰۰-۱۵۰ کیلومتر جلوتر رفت .

تقریباً در همان تاریخ تعرض سپاه بارانف از سقر ، بیجار و از سمت همدان شروع شد چه مجدداً در سدد استقرار ارتباط با انگلیسها بود . در نتیجه این تعرض قسمتی از قوای روس در ماه آوریل ، سلیمانیه را در سمت موصل و « کرند » را در سمت بغداد اشغال کردند و در « قزل رباط » با قوای ژنرال مد داخل ارتباط شدند .

پیشرفت زیاد انگلیسها و ضعف عملیات در جبهه ارمنستان فرماندهی آلمان و عثمانی را بر آن داشت که توجه خاصی بسمتهای جنوب و مغرب معترفدارند . آلمانها برای تقویت عثمانیها ژنرال فالکنهاین را بدانست سوریه بداشتند ، ارتش ۶ جدید عثمانی تشکیل یافت و قسمتهای ارتش ۲ و ۳ که در ارمنستان آزاد شدند برای تقویت ارتش فوق تخصص یافتند . ولی مجدداً انگلیسها قسمتهای مقدمه قوای مزبور را در ۲۴ آوریل درهم شکستند و « جبل حرین » عقب رانند .

عملیات در بین الزهرین (ارمنستان) (ارمنستان انگلیسی) موفقیت کنار فرات

پرووی ما در بین الزهرین کنار « فرات » بوسیله قوای امدادی تقویت گردید . عثمانیها مورد حمله قرار گرفتند و از مواضع خود که راه « ناصریه » را بسته بود رانده شدند . دومین موضع آنها نیز بتصرف ما درآمد . در آن حدود دشمن پیشتر